



# قرائت درمی

برای صنف هشتم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا  
قال صلى الله عليه وسلم  
فرموده است خرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم،

رضیت  
راضی هستم

بِاللَّهِ رَبِّاَوْ

که الله پروردگار ما است و

بِالْإِسْلَامِ دِينَاَوْ

اسلام دین ما است و

بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَرَسُولًا

محمد صلی الله علیه وسلم نبی و رسول ما است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ الْكَرِيمِ  
 يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ  
 جز (۲۸) سوره مجادله آیه (۱)

قرجمنه: خداوند (ج) بلند میسازد درجات ایمان داران را از شما و کسانی را که به ایشان دانش روزی گردانیده است .  
 از فحوای آیه کریمه استنباط میشود که هیچ نوع کیفیات حسنه برجسته و بالاتر از علم و دانش وجود ندارد . اهمیت تعلیم و تربیه در دین مقدس اسلام بحدی است که اولین کلمات وحی سماوی ( اقراباسم ربک الذی خلق ) میباشد  
 بهین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری اسلامی ، اقتصاد ، سیاست ، عبادات ، اخلاقیات ، حقوق بشری در لابلای تعلیم و تربیه قرآنی موضوعاتیست که در اس همه مسائل قرار میگیرد .

ما پروان راه وحدانیت در دشوارترین شرایط هجرت زمینه و امکانات آموزش اسلامی را بلطف خداوند (ج) طوری مساعد خواهم ساخت که در راه حصول رضای رب الارباب هیچ نوع قدرتی در مقابل تصمیم و اراده مقدس و خلل ناپذیر و فولادین ماسد شده نخواهد توانست . تمام اعمال و حشیانه و غیر انسانی کمونیزم بی هدف از قبیل قتل عام ، زنده به گور کردن چور و چپاول به آتش کشیدن مزارع و خانه ها تخریب و انهدام مساجد شریف مدارس و اماکن مقدسه استعمال گازات سمی و پروپاگند های شباروزی در مملکت عزیز ما افغانستان فقط و فقط علل تأخیر در تعمیل تصمیم گیریهای ماست و بس .  
 ملت مسلمان افغانستان که متمسکین جبل المتین و متعهدین کلام ربانیست در بای خشم از جارشان .

هنوز هم متلاطم گردیده و بتأسی از دستورات رب العزت که ارشاد فرموده ( وجاهدوا فی الله حق جهاده آیه ۷۸ سوره حج ) یعنی جهاد کنید برای خداوند (ح) طوریکه شایسته اوست. جهاد حق علیه باطل را در پرتو ارشادات عالی تعالیم اسلام ادامه دهیم و مشعل فروزان دانش اسلامی را در مسله جهاد علمی و مسلحانه تقویه نماییم.

هموطنان عزیز شما مسبوق هستید که شاگردان عرفان اسلام از دو نوع کتب مربوط دو اتحاد اسلامی قبل مستفید بودند رهبران محترم تمام تنظیم ها به منظور جلو گیری از تشتت افکار فرزندان مجاهدین علم دوست و سربکف افغانستان درین او اخر به مسئولین تعلیم و تربیه مربوطه خود صلاحیت و هدایت دادند تا از تمام مضامین و علوم شامل نصاب تعلیمی برای صنوف مختلف یک نوع کتب طبع و به دسترس فرزندان مجاهدین و مهاجرین قرار بدهند که از نظر محتوا و مفهوم به دین مقدس اسلام شریعت غزای محمدی و مذهب مذهب حنفی مغایرت نداشته و مورد قبول تمام اقشار مجاهد و مهاجر مسلمان افغانستان عزیز باشد.

به این اساس شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه تشکیل گردید و مورد قایتد همه رهبران محترم قرار گرفت.

شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه مذکور اداره مرکز تعلیمی افغانستان را تأسیس نموده که دارای شعبات ذیل (مدیریت نصاب تعلیمی، مدیریت تدریسی و نظارات، مدیریت پلان، و ارتباط خارجی، مدیریت اجرئیه، مدیریت مالی، مدیریت تربیه معلم، و مدیریت سوادآموزی) میباشد.

منسوبین این مرکز را متخصصین تعلیم و تربیه و اشخاص مجرب از تمام تنظیم های جهادی تشکیل میدهد که مجدانه و متحدانه در مورد پیاده کردن تعلیم و تربیه اسلامی و توحید نمودن نصاب تعلیمی سعی و مجاهدت

بی شائبه مینمایند

بعد از بحث و مشوره متخصصین نصاب تعلیمی در مورد تهیه کتب درسی مضامین مختلفه به این نتیجه رسیدند که نظر به شرایط دشوار جهادی و عدم وقت کافی کتب درسی مضامین مختلفه دو اتحاد اسلامی را که قبلا طرف استفاده بود باهم مقایسه و مطالب اهم آنرا با در نظر داشت دشواری قید زمان تدریس در عالم مجاهدت و مهاجرت انتخاب نمایند.

لذا مدیریت نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان مسرت دارد که موقع یافت تا تمام کتب مضامین مختلفه درسی تنظیم های جهادی را که از طریق نصابهای تعلیمی مختلفه طبع شده بود مقایسه نمود. مطالب و عناوینی را که از نقطه نظر سطح دانش فهم شاگران و شرایط جهادی از نگاه تعلیم و تربیه سهل تر و آموزنده تر بود انتخاب و در معرض چاپ قرار داد.

والسلام مع الاکرام

---

مدیریت نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان

# فهرست مطالب

صفحه	شماره	عنوان
۱	۱-	حمد
۳	۲-	نعت شریف
۶	۳-	خداشناسی
۹	۴-	قرآن شریف
۱۱	۵-	حدیث حضرت پیغمبر (ص)،
۱۴	۶-	علم
	۷-	یکی از خطبه های فاروق اعظم «رض» -
۱۶		به مامورینش.
۱۷	۸-	حکایت
۱۹	۹-	گریستن افلاطون از ستایش نادان.
۲۱	۱۰-	علامه گذاری
۲۴	۱۱-	هجرت حضرت عمر فاروق «رض»
۲۶	۱۲-	فضایل جهاد



شماره	عنوان	صفحه
۱۳-	بی بی سمیه "رض"	۳۰
۱۴-	شهادت	۳۵
۱۵-	هفت ثور ۱۳۵۷	۳۸
۱۶-	هدایات سودمند	۴۱
۱۷-	وطن! سلام بتو	۴۴
۱۸-	حکایت	۴۹
۱۹-	حضرت آدم "ع"	۵۱
۲۰-	نصیحت	۵۵
۲۱-	مطالع	۵۷
۲۲-	الله اکبر	۶۰
۲۳-	روشن آن حضرت "ص" در جهاد	۶۳
۲۴-	اندرزها	۶۵
۲۵-	دستور زبان دری	۶۷

شماره	عنوان	صفحه
۲۶-	مفرد و جمع - اسم بسیط و مرکب	۶۹
۲۷-	صفت	۷۰
۲۸-	دزدان با چه میگذرد - حصه اول	۷۱
۲۹-	حصه دوم	۷۵
۳۰-	حصه سوم	۷۹

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَفِ السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْأَجْرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْحَكِيمُ  
 محمد خدای اگر بر اینی است آنچه در اسمهاست و آنچه در زمین است و او راست است و راستی توست در معرفت، داد  
 راست با حکمت آگاه

# محمد

از معانی تا صور مضمون عرفان تواند	از ملک تا انس و جان در امر و فرمان تواند
در خفی و بر ملا هر جا شناخوان تواند	عالم عقلی و همی، هر چه هست در کاینات
هم زبانها در سخن از لطف احسان تواند	دیدن و بونیدن و بشنیدن و احساس و لمس
ببلدان و در گلستان مست و غرغخوان تواند	جسم با جان از تو یابد دل از تو یبیا شود
هر کجا سینه به خنجر داده و تیربان تواند	بر امید نصرت غیبی مجاهد هر سر بر
خون چکان در انتظار عهد و پیمان تواند	تشنه گامان شهادت بملند اندر طیش

هت بیزنگ دیدہ اخونبار و گریان انتظار  
 تا بگوش آید کہ روسان غرق طوفان تواند  
 استاد بیزنگ "

معنی	لغات	معنی	لغات
دست مالیدن بچیری	۹. لمس	انسان	۱. انس
نیم کشته ، حلال	۱۰. بسل	جن	۲. جان
یاری کردن	۱۱. نصرت	صورت نما	۳. صور
آب زیادی کہ ناگهان	۱۲. طوفان	خدا شناس	۴. عرفان
زمین را بگیرد و خرق کند		موجودات	۵. کاینات
یاباد شدید		پوشیده	۶. خفی
		آشکار شدن	۷. برملا
		حس کردن دریافتن	۸. احساس



آنکه شد یارش ابو بکر و عشر  
 از سر انگشت او شد شق و تشر  
 صاحبش بودند عثمان بن عفان  
 میران گشتند در عالم دنی  
 آن یکی کان حیا و حسم بود  
 وان در کباب بدین علم بود  
 آن رسول الله که خیر الناس بود  
 عم پاکش حمزه و عباس بود

سر دم از ما صد درود و صد سلام  
 بر رسول آل و اصحابش تمام  
 (عطاء رح)

معنی	لغات	معنی	لغات
بالافتن	۷- معراج	وصف کردن و صفت کردن	۱- نعت
بندگان مقرب - نگاه خداوندی	۸- ادبیا	برگزیده شده یکی از اقطاب محمدی	۲- مصطفی
رحمت بر عالمیان	۹- رحمة للعالمین	سرور و آقا و بزرگ	۳- سید
خاندان	۱۰- آل	هر دو دنیا	۴- کونین
پالان	۱۱- طابرین	آخرین پیغمبران	۵- ختم المرسلین
مہتاب	۱۲- قمر	نازیدن و بالیدن	۶- فخر

معنی	لغات
یار، همصفت	۱۳- صاحب
صبر، بردباری	۱۴- حلم
دروازه شهر	۱۵- باب دینه
بهترین مردم	۱۶- خیر الناس
کاکا	۱۷- عم
دُعَا	۱۸- درود





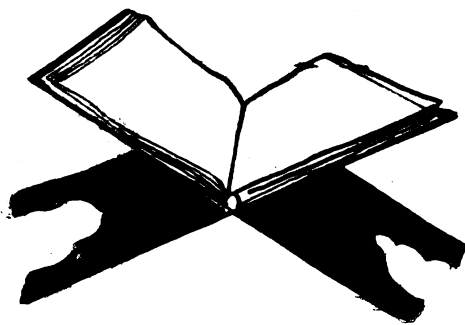
اتصال می دهد و دماغ به بسیار فعالیت در چگونگی و کیفیت شسی فکر و -  
کنجکاوی می کنند ، بالاخره انسان بواسطه عقل چیزی را که چشم -  
دیده بود می فهمد که چه شکل دارد و دارای چه رنگ است و در چه  
کاری از آن استفاده میشود ، عقل سالم در پیدایش آن و خالق آن نیز  
فکر میکند و خداوند جل جلاله رامی شناسد ، پس هر انسان نظریه این  
عقل بزرگ که خداوند است ، برایش ارزانی نموده باید در پیدایش خود و در -  
پیدایش کائنات از قدرت عقل خود کار بگیرد و فکر کند و خداوند تعالی را -  
بشناسد و ثنا گوید .

اولا ببینید که انسان چه اعضاء دارد و هر کدام چه وظیفه ای را انجام  
می دهد ، و خالق آنها کجاست ؟ بعد اخصان را مشاهده کنید که آسمان را با  
آن عظمت و بزرگی چگونه پدید آورده است ؟  
آفتاب ، مهتاب ، ستاره های درخشان ، زمین ، آب ، باد ، باران  
و انواع میوه جات و همه اشیا که بدور و پیش خود می بینید چگونه موجود گردیده اند ؟

کمیت که آنها خلق کرده و بوجود آورده پس بین وسیله درک میکنند که خالق همه اشیاء خداوند جل جلاله است، از اینجا است که حضرت خداوند (ع) بندگان خود را در بسیاری از آیات قرآن کریم فرمان می دهد که در مورد خود و خلقت جهان فکر کنند، و آثار و علامات قدرت های او تعالی را مشاهده نمایند.

معنی	لغات	معنی	لغات
صحت مند	۵- سالم	صوت	۱- تصویر
توانائی	۶- استعداد	توقف و استادن	۲- دژنگ
فهمیدن و دریافتن	۷- درک	نقل دادن	۳- انتقال
		سعی و کوشش	۴- فعالیت

نوت ۱: علاوه بر قدرت های خداوند جل جلاله که درین درس ذکر شد شاگردان نیز فکر نموده، دیگر آثار و قدرتهای خداوند را در زبان خود بیان نمایند.



# قرآن شریف

قرآن نور درخشنده و روشنی تابنده و فرمانی است که حق و باطل را از هم جدا میکند، شب را از میان برداشته مردم را از روی منطقی براه راست هدایت میکند.

قرآن در میان شما ناطقی است که زبانش خسته نمیشود. بقصری است که ستون هایش خلل نپذیرد. پیرومندی است که پیروانش را شکستی نیست پس بدانید که قرآن پند دهنده است خیر خواه، سخن گوئیت راستین بهر کس با - این کتاب مقدس آشنانشد مگر آن که هدایت اش فرزونی یافت و از نادانی نجات حاصل کرد. بدانید که از قرآن بی نیازی نیست و به کتاب دیگر غیر از قرآن - نیازی نیست پس داووی درد های خود را از قرآن بخواهید و در رفع منازعات خود از آن کمک گیرید، چون قرآن برای همه درد های معنی کفر - تباهی - نفاق و گمراهی

دو ایما باشد. پس بوسیله قرآن از خداوند جل جلاله شفا بخوانید و بآدوستی قرآن به -  
خداوند بزرگ نزدیک شوید قرآن مشعلی است که نور آن خاموش نمی شود، چراغی  
است که فروزند گمشدگان و نمی نشیند بهجری است که عمق آن به تصور ما نمی آید.  
راهی است که پایانش عالمی است بر آنکه به گمراهی نمی انجامد و خاص من صلاح داین نیز است،  
نوری است که روشنی اش محوه کننده تاریکی است پس در حالیکه مسلمانان صحن  
به نهائی داشته باشند لازم است طبق اوامر آن رقرار نموده و از نوای آن  
پر مینمایند.

وَمَا يَنْبَغُ مِنَ الْهَيْكَلِ أَنْ هُوَ الْأَوْحَىٰ وَرَبُّهُ  
 دین تکوید از خاستن نفس، بابت کفارش مگر می که برادر سازه روز

## حدیث حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرموده اند :

هر کس در دنیا از مسلمانان شکلی را دور سازد، خداوند جلاله، شکلی بزرگی  
 از مشکلات روز قیامت او را دور می‌کند .

کیکه با تنگ دست سهولت کند ، خداوند ج ، در دنیا و آخرت با او سهولت -  
 می‌کند ، کیکه عیب مسلمان را بپوشاند ، خداوند ج ، عیوب و ایراد در روز قیامت  
 بپوشاند . هر که در معاونت برادر مسلمان خود باشد ، خداوند ج ،  
 مددگار او است . کیکه در صد جستن راه علم باشد خداوند ج ، وسایل دخول -

جنت را برایش ہیامی نماید، مسر جمعیتی کہ برای تلاوت قرآن کریم در مسجد و یا جای دیگری گرد آیند، رحمت خداوند بچ، شامل حال شان گردیدہ اطمینان روحی و باطنی برای ایشان میسر می گردد و فرشتہ ہا رحمت دورا دور شان می ایستند و خداوند بچ، آنہا را در زمرہ ملائکہ اعلیٰ یاد میکند .

کسیکہ پس انداخت اورا فقلان بعمل نیکش سبب پیش رفت او نمی گردد .

بندہ محقق شدی ترک نسب کن جامی  
 کہ درین راہ فلان بن فلان چہری نیست  
 "مسلم"

معنی	لغات
سخن حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم	۱- حدیث
آسانی	۲- سہولت
گمات	۳- معاونت
قصد و غم	۴- قصد
جمع و سید	۵- وسایل
تہیہ شدہ	۶- مہیا
حامل، آسان کردہ شدہ	۷- میسر
حاکم بالا	۸- مبرا علی
گم شدن	۹- فقدان
پسر، فرزند	۱۰- ابن





ای عشق‌میری باین دور ایات خود مناز  
 باشد تمام روی زمین قدر دان علم  
 مرحوم عشق‌میری "رحمة الله علیه"

معنی	لغات
دانش	۱- علم
پهنائی	۲- بیدات
کارها	۳- امورات
مدرسه	۴- دار علوم
بی خوف بودن	۵- امن و امان
پهنائی	۶- بدقت

درس فوق را به نثر تبدیل سازید

# یکی از خطبه های فاروق اعظم رضی به ما مورثش

آگاه باشید من شمارا امیر و سخنگیر مقرر نکرده ام، بلکه امام -  
 هدایت مقرر کرده ام که مردم شمارا پیروی نکنند، شما باید که حقوق مردم را  
 ادا کنید، و آنها را الت و کوب نکنید که ذلیل می شوند، و تعریف بیجا هم  
 نکنید که در مغالطه مبتلا نشوند و در های خود را بر روی داد خوانان ببندید که زبردستان  
 آنها را نخورند و خود را در هیچ امر بر آنها ترجیح ندهید که درین صورت بر آنها جفا  
 روا داشته است.

معنی	لغات	معنی	لغات
در غلط آمدن	۵- مغالطه	پند نصیحت و خط و خطابه	۱- خطبه
گرفتن	۶- مبتلا	فراق کننده	۲- فاروق
بوتری دادن	۷- ترجیح	بزرگتر	۳- اعظم
ظلم و ستم	۸- جفا	پیشوا	۴- امام

# حکایت

آورده اند که نوشیروان عادل در تبارگاه‌های صیدی کباب می‌کرد،  
نمک نبود، غلامی به روستا رفت تا نمک آورد. نوشیروان گفت:  
نمک به قیمت بستان تارسی نشود و ده جنس را بنگردد بگفتند!  
ازین قدر چه خلل آید؟ گفت: بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده  
است هر که آمد بر او مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده.

اگر از باغ رعیت ملک خود سیبی  
بر آورند غلامان او درخت ابرنج  
به نیم بیفیه که سلطان ستم روادارد  
زنند شکر یانش هزار مرغ بیخ

معنی	لغات
قریه	۱- روستا
بگیر	۲- استان
فاد- نقمان	۳- جنس
هنزونی	۴- مزید
تخم	۵- بیضه
عموم	۶- رعیت

نتیجه حکایت فوق را شاگردان بقلم خود در کتابچه های خود بنویسید.

# گریستن افلاطون از ستایش نادان

گفت اندر پیش افلاطون کسی  
کان فلانی حمد میگفت بسی

در هنر بسود بسیاری ترا  
با فلک بنهاد مقداری ترا

زان سخن بگریست افلاطون بدرد  
روی آورد از سر دردی ببرد

گفت میگویم که در دل تمکلیت  
تا چه کردم کان پسند جا طبعیت

هر چه باشد مرد نادان را پسند  
مرد دانا را بود آن تخت بند

می ندانم تا پسند او چه بود  
تا از آن توبه کنم در حال زود

یک ستایش کان ز جا مل آیدم  
صد عقوبت دان که حاصل آیدم

مهیت نامه (عطار)

معنی	لغات
ستودن و توصیف کردن	۱- ستایش
شناختن ستایش مخصوص خداوند جل جلاله	۲- حمد
تعریف و توصیف نمود	۳- بستود
اندازه و قدر	۴- مقدار
حبس و قید	۵- تحت بند
عذاب	۶- عقوبت

خداوند مفهوم درس فوق را شاگردان بنویسید .

# علامه گذاری

علامه گذاری عبارت از بکار بردن یک عدد نشانه یا در نوشته بغرض وقفه در آواز و بهیتر فهماندن مقصود است هدف مهم علامه گذاری صراحت و وضاحت است .

- ۱- نقطه (۰) در اخیر جمله های که سوالیه و ندائیه نباشد گذاشته می شود مثلاً سعی و کوشش انسان را در زندگی پیروز میگرداند .
- ۲- علامت سوالیه (؟) در آخر جمله سوالیه استعمال میشود مثلاً: آیا نمیدانید که تلفات شوروی در افغانستان تا چه اندازه رسیده است؟
- ۳- علامت ندائیه (!) در مورد ذیل استعمال میگردد مثلاً خدایا! ما را بر راه راست هدایت کن و برای اظهار تعجب نیز بکار میرود .  
مثلاً عجب سخنی! آیا راست میگویی؟  
دوم چنان برای اظهار تأثر یا کلمه های آه ، آخ ، دریغا ، حسرتا استعمال می شود .

مثلاً آه ! هنگام سفر دو ستم را ندیده رستم، و برای اظهار خوشی  
و حالات ناگهانی نیز بکار برده می شود مثلاً: اوه ! از دیدن  
شما دستگیر جهاد چقدر شادمان شدم. و برای تمسخر و استهزاء  
در آخر جمله ای که بصورت جدی باشد بکار می رود مثلاً:  
در باره شوروی ظالم و تجاوزگر خنین گفتنی (شوروی خیر اندیش ترین  
ممالک جهان است برای آسودگی بشر !

۴- فاصله یا کامه (ما) برای جدا کردن کلمه ها یا فتره هایی که  
از پی هم دیگر بسیار استعمال می شود، و هم چنان برای جدا  
کردن دو یا سه بخش یک جمله نیز بکار می رود. مثلاً: نیکوکاری  
خصلت مؤمنان است، یا: در یفا عمر، که عثمان کشاده رفت.

۵- شارحه یا دو نقطه (:): در عنوان کتاب رصفه بکار برده می شود  
مثلاً معلم ما میگفت: همیشه صادق و راستکار و وظیفه شناس  
باشید.



معنی	لغات
استادن	۱- وقفه
نشانه و غرض و مقصد	۲- بدف
نیشخند میخیزه کردن	۳- تمسخر
افسوس	۴- درینا
جلو	۵- عنان
شرح دهنده	۶- شارح

# هجرة حضرت عمر فاروق (رض)

حضرت عمر فاروق رضی اللہ تعالیٰ عنہ در میان صحابه کرام یکی از بزرگترین شخصیت‌های اسلام است که مسلمانان جهان به وی افتخار می‌نمایند. در ابتدای اسلام زمانیکه مسلمانان از طرف مشرکین اذیت می‌شدند، آن حضرت رضی، برای تقویت اسلام مسلمانان - شدن حضرت عمر رضی، را از حنذاوندج، خواسته بود، دعای شان مقبول گردید حضرت عبدالله بن مسعود رضی اللہ تعالیٰ عنہ میفرمایند .  
ما زمانی توانستیم نزدیک کعبه نماز بخوانیم که حضرت عمر رضی مسلمان شد.

حضرت علی کرم اللہ وجہہ میفرمایند :  
در ابتدای اسلام هر شخص نپایانی هجرة می کرد، ولی وقتیکه -

حضرت عمر مرض، اراده هجرت کرد شمشیر را به کمر بست و کمان را بدست گرفت و تیرهای زیاد با خود گرفته اول به خانه کعبه رفته طواف نمود، با نهایت اطمینان نماز خواند، بعد از آن -  
به طرف کفار رفته برای شان اعلان نمود، هر کس دلش میخواهد که مادرش بروی گریه کند، و زنش بیوه شود، و سرزندانش یتیم بماند، از مکه بیرون آمده با من مقابله کند. بعد از بسوی مدینه منوره به قصد هجرت روان شد، کسی جرئت نکرد که جهت مقابله دنبال وی روان شود.

---

معلم صاحب حکایت هجرت حضرت عمر مرض، را با نتیجه آن به شاگردان توضیح نماید.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَلْعَاطِمِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

و از آنکه کوشش کردند برای ما در راه ما، ما را هدایت می‌کنیم و آنانی که با ما بجهدند، ما را هدایت می‌کنیم و خداوند بخشنده و مهربان است.

# فضایل جهاد

جهاد کوشش نهایت عظیم و بزرگ جهت اعلای کلمه الله است، که ثمره آن شامل ساختن همه دساتیر اسلام در تمام زوایای زندگی انسانها می باشد، و باعث حاکم نمودن دستور خداوندی و پیروی و آرامش همه انسانها در روی زمین میگردد.

بلی جهاد است که به وسیله آن انسان از پرستش غیر به پرستش خدای یگانه و خالق همه موجودات دعوت و برهان می شود، و از تمام بندگی و غلامیها و وابستگی های غیر

خدایی نجات یافته ، وزینه درست زیستن و -  
زندگی کردن را مهیای سازد .

بهمین منظور است که خداوند بجز ، این امر نیک را بالای  
مسلمانان فرض گردانیده و حکم قاطع صادر نموده است ، تا  
تمام وسائل و مقید و بند های که شما را مانع از عبادت  
و پرستش او تعالی میسازد ، از میان برداشته بار .  
قلب مطمئن پر از ایمان ، زندگی خویش را ادامه دهید .  
فضیلت و ثواب مجاهدی سبیل الله بیشتر است از ثواب  
هفتاد سال عبادت در خانه اش .

خداوند بجز ، پیغمبر جلیل القدرش (ص) ، درین مورد فضائل  
زیادی را به مجاهدین فی سبیل الله بیان نموده اند .  
پس ما مسلمانان توفیق از خداوند بجز ، می خواهیم

که به مائیتگی و فضایل جهاد را نصیب کنند. اگر جهاد در راه خداوند جل جلاله و فضایل دارد، بهمان اندازه این راه خیر و باریک هم است. اگر یک مسلمان بنام جهاد سلاح گرفته، اما در اعمال و عبادات خویش از فرمان خدا بیخارج، سرکشی می نماید، این مسلمان سلاح دار از فضایل جهاد بهره مند نخواهد شد، چرا که جهاد وسیله و راه رسیدن برضای خداوند جل جلاله بوده و رضای خداوند جل جلاله، وقتی حاصل میشود که طبق دستور و فرمان های او تعالی جهاد کرده شود، در غیر آن باعث ذلت دنیوی و اخروی خواهد شد.

معنی	لغات	معنی	لغات
لا اله الا الله	۴- کلمه الله	خوبی ها	۱- فضایل
جمع دستور هدایت	۵- دساتیر	کوشش و جنگ کردن	۲- جهاد
نجات، کامیابی	۶- فلاح	در راه دین حق	۳- اعلاء
		بلند گردانیدن	

لغات	معنی
۷- صادر	بیرون رانده، اشیایی که از یک مملکت به مملکت دیگر می‌رود (و در اینجا فرستاده شده)
۸- جلیل	بزرگ مرتبه و یا بزرگوار محترم
۹- خظیر	(خطرناک)
۱۰- اوتعالی	خداوند جل جلاله

# بی بی سمیہ (رض)

در آن زمانی که ابرهای سیاه ظلم و فساد، افق نیلگون  
عالم انسانی را تاریک ساخته بود، سمیہ کنیز رنجشیده  
که سالها قبل ابو جہل او را خریده بود، در میان مردم  
حجاز میزیت. او از همان وقتی که چشم به جهان گشود،  
جز زندگی برده گی چیزی دیگری را ندیده بود.

بی بی سمیہ با غلامی که نامش "یاسر" بود ازدواج کرد. شوهرش  
نیز در دنا و مشکلات زیادی رانیده بود. آنها صاحب فرزندی  
شدند که نام او را "عمار" گذاشتند. این خانواده از جمله -  
برندگان ابو جہل بودند و همیشه در خدمت او قرار داشتند.  
در چنین زمانی بود که خورشید اسلام طلوع کرد، و باروشنایی



ملائم خود زندگی سرد و پر مصیبت مردم را حرارت تازه  
بخشد. شوری در مکه معظمه برپا شد. همه جا مردم با هم جمع می  
شدند و از حضرت محمد صلی الله علیه وسلم سخنها می گفتند.  
از دعوتش و سخنان گیرائی که در زمینه نجات عالم بشریت  
میگفت، استقبال میکردند.

بردگان برای نخستین بار شاید بودند که کسی ایشانرا انسان  
می پندارد و آنها را با آزادگان برابر و برادر میداند. آنها با خود  
می گفتند، «آیا ممکن است روزی بردگان نیز همچون مردم آزاد  
و شرافتمند در بین جامعه حقوقی داشته باشند؟»

همان بود که سمیه به حضور این پیغمبر درص، بزرگ شرافت  
و ایمان آورد. سمیه که شوهرش و پسرش نیز این دعوت حق  
را پذیرفته بودند، تا پای جان از دین مقدس اسلام دفاع مینمود.

ابو جهل با دار خو خوارش که از دشمنان سرسخت دین  
اسلام بود، همین که فهمید سمیه و شوهرش مسلمان شده اند،  
به تعذیب و حشیانۀ این خانواده مسلمان آغاز کرد، و در  
وقت گرمی آفتاب ایشان را روی رگهای داغ میخوابانید  
و شلاق میزد. سمیه با ایمان قوی در برابر این همه شکنجه  
لاخنی برابر و نمیاورد. شاید در تاریخ اسلام کمتر کسی مثل  
سمیه شکنجه دیده باشد، روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم  
از بیابانی می گذشتند، ناگهان نظرشان را صحبه دلمخراش تعذیب  
اعضای این خانواده به خود جلب کرد. آن حضرت صلی الله علیه و سلم  
دیدند که سمیه با شوهر و فرزندش روی ریک زارهای داغ  
خوابانیده اند و شلاق میزنند.

حضرت محمد صلی الله علیه و سلم از دیدن این وضع خیلی متأثر

شدند و به ایشان گفتند. "خانواده یاسر! صبر کنید جای  
شما به بهشت است."

وقتی شکجه های به او جوش میرسید سمیه با زمره کلمه توحید بر -  
ثباتش میافزود. و با تلاوت آیات قرآنی از شدت رنجها و  
شکجه هایش میکاست. بالاخره روزی ابو جلیل ، این جانی بزرگ  
که در برابر ثبات و مقاومت سمیه به زانو در آمده بود ، این زن  
بزرگوار را کشان کشان به میدان مکه معظمه برد و در حالی که اکثریت  
مردم مکه معظمه را فرسخ خوانده بود و همه حاضر بودند ، برای آخرین بار در  
محضر همه ، از سمیه خواست تا دینش را ترک گوید و در برابر خدایان -  
باطل سر تسلیم نهاده و رنه به زندگی اش پایان خواهد داد.

سکوت مرگباری مهربان را گرفته بود. همه منتظر بودند تا این -  
کنیزی که چندی قبل جرأت سخن گفتن در مقابل با دارش را -

نداشت اکنون چی میگوید : ناگاه برقی در چهره زعفرانی  
سمیه تابید . بعداً به آواز بلند ندای توحید را سرداد ،  
ندایی که لرزه بر تهداب ظلم و ستم مردم ظالم می افکند . هنوز  
فریاد ملکوتی اش به پایان نرسیده بود که ابو جهل با بی رحمی  
بر او حمله برد و با تیغ دست داشته اش او را شهید -  
ساخت ، شربت شهادت را نوشید انالله وانا الیه راجعون و -  
اسم خود را زیر عنوان نخستین شهید راه جهاد اسلامی در  
تاریخ بیادگار گذاشت .

وَالْحَسَنَ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَانًا طَبْلُ أَحْيَاءٍ وَعَيْنٌ مِمَّنْ يَرْدُونَ ۝

و ایمان کنیند کسانی که کشته شده اند در راه خدا، مردگان با بکله زندگانند نیز در راه خدا.

تشان روزی داده میشوند.

# شهید کیست

مسلمانی که در راه خدا جَلَّالُهُ، برای اعلائی کلمه الله از جانب دشمنان دین و یا از جانب شخص مسلمان ظلماً کشته شده باشد، شهید گفته می شود.

شهید نزد خداوند جَلَّالُهُ مقام عالی و برجسته داشته، زیرا تمام مال و جان خود را در راه خدا جَلَّالُهُ وقف و تا آخرین لمحات زندگی - بخاطر رضای خداوند جَلَّالُهُ جنگیده و از هیچ گونه سعی و کوشش - دریغ نه نموده، چپا نچه از انس بن مالک رضی الله عنه، روایت شده.

که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم فرموده: «وقتیکه شخصی در جنت داخل شود، پارس نمی‌خواهد بنیاید، مگر شهید که ده مرتبه آرزومند است به دنیا آید و دوباره شهید شود، بخیر است که می‌بیند عزت و ثواب شهادت را.»

حدیث دیگر از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده: قسم است به ذاتی که جان ما در قبضه اوست من این را زیادتر پسند دارم که در راه خدای بکشته شوم و پس زنده شوم، باز کشته شوم و دوباره زنده شوم. اما اگر مسلمان از روی اوام و آمال شخصی و به قصد مال و جاه و تحریکات نفسانی جنگ کند و کشته شود، شهید گفته نمی‌شود، و ازین مقام عالی بی‌نصیب می‌گردد.

(ع) «از پای تا سرت همه نور خدا بود»

گر در ره خدای تویی پاوسر شوی

معنی	لغات
گشته شده راه ضریح	۱- شهید
ترس ها	۲- اولام

(۱) فرد آخر عنوان فوق را شاگردان به عنوان تطبیق داده ، تشریح نمایند .

# هفت ثور ۱۳۵۷

فاجعه هفتم ثور سال ۱۳۵۷ هـ ش یک فاجعه نهایت غم انگیز و دردناک در جهان اسلام می‌باشد. در این روز یک گروه لنین پرست به دستور حزب کمونیست روسیه، کودتای تلنگین را برآوردند. این گروه از زمان رویکار آمدن امام الله به بعد در افغانستان شروع به فعالیت نموده که در وقت زمام داری محمد ظاهر شاه یک تعداد اشخاص خودفروش و ملحد بنام خلق و پرچم و عنسیه گروه های بیدین به نشر و پخش عقیده کمونیستی «خدانشناسی» طور علنی شروع کردند تا بتوانند از این راه مردم را ضریب بدهند و عقیده فاسد خود را بالای مردم افغانستان حاکم سازند. اما مردم مسلمان افغانستان به مجرد پی بردن -



به این نقشه فاسدشان شروع به فعالیت جدی نموده  
تا آنکه کمونیت را مجبور شدند که نقشه شوم خود را بدسید کوتا  
بتاریخ ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ توسط داؤد سفاک به راه انداختند  
و صاحب قدرت شدند، تقریباً طی مدت پنج سال حکومت  
داؤد خونخوار عده زیادی از جانبازان نهضت اسلامی را شهید  
و عده رازدانی کردند. اما مسلمانان افغانستان را این فشار و  
تکلیف آرام ساخته نتوانست و ختم مسلمانان روز به روز زیادتر  
میشد تا آنکه روسیه بتاریخ هفت ثور ۱۳۵۷ غلام حلقه بکوش  
دیرینه خود تره کی را با دار و دسته کمونتش به قدرت رساند  
بعد از این روز جد و جهد خدای پرستان در همه گوشه و کنار مملکت  
شدت پیدا کرده و روز بروز انقلابیون مسلمان قوی تر و نیرو-  
مند تر شدند تا اینکه روسها بار دیگر تره کی را بواسطه غلام

دیگرش حفظ الله سنگون ساخت. چون این وضع هم  
 به نقص شان تمام شده، او را ناچار سنگون نموده ببرک  
 را بتاريخ ۶ جدی ۱۳۵۸ با عساکر زیاد روسی داخل افغانستان  
 نمودند و زمام امور را مستقیماً روس ماب دست گرفتند که تا امروز  
 مردم مسلمان و مجاهد مادر هر نقطه از کشور با ایمان کامل بمقابل  
 روسها و غلامان شان مصروف جهاد می باشند، مایقین  
 کامل داریم که انشاء الله در این جهاد مقدس موفق می شوند  
 و کشور ما افغانستان را از چنگ ظالمان روسی و غلامان شان  
 آزادی سازند و بیاری خداوند ج، تا حاکم نمودن قانون  
 الهی از جهاد دست نخواهند کشید.

شماره	لغات	معنی
۱	نہضت	ترقی و پیرفت
۲	جدوجہد	کوشش و رنج بردن
۳	موفق	کامیاب

# هدایات سودمند

- ۱- گفتار و کردار همه باید موافق ادب باشد .
- ۲- یاری رسانیدن به مظلوم نزد خداوند ج ثواب زیاد دارد .
- ۳- خداوند بزرگ آن شخص را دوست دارد که به آزار همسایه اش نپردازد .
- ۴- خداوند بزرگ<sup>(۳)</sup> در کارها نرمی و ملایمت را دوست دارد .
- ۵- در حدیث شریف آمده است که خداوند ج، در روز قیامت یکی از بنده گان خود را میگوید :  
ای پسر آدم! من مریض شدم و تو مرا عیادت نکردی بنده در -

جواب میگوید: ای پروردگار! چگونه ترا عیادت مینمومم،  
در حالی که تو پروردگار عالمیان هستی؟ خداوند ج، میفرماید: آیا  
ندانستی که فلان بنده من مریض شده بوده پس تو وی را عیادت  
نکردی! آیا نمیدانستی که اگر تو او را عیادت مینمودی یقیناً  
رضاء مرا نزد وی می یافتی؟

ای پسر آدم! از تو طعام خواستم و تو مرا طعام ندادی.  
بنده در جواب میگوید: ای پروردگار! چگونه ترا طعام میدادم  
حال آنکه تو پروردگار عالمیان هستی؟ خداوند ج، میفرماید: آیا -  
ندانستی که فلان بنده من از تو طعام خواست و تو او را  
طعام ندادی؟ آیا ندانستی که اگر تو وی را طعام میدادی یقیناً -  
ثواب آنرا نزد من می یافتی؟

ای پسر آدم! من از تو آب خواستم و تو مرا آب ندادی،

بنده در جواب میگوید: پروردگارا! چگونه ترا آب میدادم -  
حال آنکه تو پروردگار عالمیان هستی؟ خداوند بجهت ما میداد -  
فلان بنده من از تو آب خواست و تو وی را آب ندادی  
اگر توبه وی آب میدادی یقیناً اجر آنرا نزد من می یافتی -  
" مسلم "

---

معلم صاحب مفهوم حدیث شریف را به شاگردان طور مشروح بفهماند که خداوند بجهت ما  
از مریضی - خوردن و نوشیدن مبرا است .

# وطن! سلام به تو

وطن! اگر امروز بدست روسها و غلامان حلقه بگوش -  
کمونیت شان ویران شده بی ماولی فرزداي آن بدست -  
فرزندان مؤمن و وفادارت، بیاری خداوند ج، از وجود کثیف  
کمونیت ما پاک و دوباره آباد خواهی شد .  
وطن! فرزندان اصیلت، خواسته های پلید طاغوتیان را از  
بین برده و در سپار دیار عدم می کنند .  
وطن! رزمنده گان جان برکفت، پیروزی حق بر باطل -  
را عملاً به اثبات رسانیده اند .  
وطن! امروز شکرهای برحق تو انسان را درس پایداری -

میدهد و هر سنگ دره های زیبایت آئینه دار قهرمانی و -  
قربانی های مجاهدین مؤمن است .

سواست مملو از دود و آتش و خاک بوده ، آواز گلوله های خدا  
پرستان و غرش تانک های باطل پرستان آراش شبت را  
برهسم میزنند .

آبشار هایت ، پاکی دلیران راه حق و حقیقت را زرمه میکنند .  
در موسم بهارت لاله ها با رنگ سرخ خاطره های همیشه گی -  
شهیدان گلگون کفن ترا با قلب داغدار تجلیل مینمایند .

بارانت ، ریختن اشک بیوه زنان و مادران رنج کشیده را -  
بیان میکند که شوهران و فرزندان شان قربانی هوس فرومایه گان  
شده اند .

تابستان ، پیام آور تشنگی عاشقان جان برکف راه حق  
است .

خرانت، داستان حالت پزمرده یتیمان را حکایت  
میکند.

زستانت، باد رحمان بی برگ و بار، از زندگانی آوارهگان  
بی سرپناه و برهنه ترجمانی میکند. ستاره های بی شمار آسمانت،  
تعداد شهیدان به خون خفته ات را در نظر مجسم میاند که گلوله  
های دشمن ملحد بدن پاکشان را سوراخ - سوراخ کرده است.  
عرش رعد آسمانت، بر اعمال سنگین خلقی ما و پرچی ما و  
باداران شان تفرین میفرستد. وطنیکه چراغ شب های تاریکش  
آتش مرمی ما و بم های جلدان ملحد است.

وطنیکه انسان را درس عبرت میدهد و در آغوش پر مهرش  
مجاہدین را جاه داده، می پروراند و آنها را پروبال میدهد تا  
بسوی جهان ابدی پرواز نموده و به ارمان اسلامی و انسانی -  
شان نایل آیند، افغانستان عزیز است.



زندہ باد وطن محبوب ما افغانستان اسلامی

معنی	لغات	معنی	لغات
سرخ رنگ	۱۱- گلگون	خدا تاش	۱- کونیت
پست	۱۲- فرومایه	په گمک	۲- بیاری
لج	۱۳- برهنه	ناپاک	۳- کثیف
بی خانہ، بی سپرہ	۱۴- آوارہ	شیطان ځ	۴- طاقتور
به خون خوابید	۱۵- به خون خفته	مردار	۵- پلید
شرم آور	۱۶- ننگین	روانہ	۶- در سپار
دعای بدیض افزین	۱۷- نفزین	خانہ	۷- دیار
آرکشان	۱۸- جلدان	نابودی	۸- عدم
بض	۱۹- آغوش	جنگجویان	۹- زرمندگان
مراد از آسرت است	۲۰- جهان ابدی	خواندن آہستہ- آواز آہستہ	۱۰- زمزمہ

معنی	لغات
بہ ہدف رسیدن دوست	۲۱۔ نائل ۲۲۔ محبوب

# حکایت

دیدیک شب بخواب عبد الله  
گفت کای میر عادل خوشخوی  
با تو ایند چه کرد برگوی حال  
گفت از آن روزگار تا امروز  
کار من صعب بود با عم و درد  
گو سفدی ضعیف دیندا  
گشت رنجور و پای وی شکست  
گفت انصاف من بده تمام  
تا با امروز من دوازده سال  
ای ستوده شده نیکو کردار

پدر خویش را عصر ناگاه  
حال خود با من این زمان برگوی  
بعد از این مدت دوازده سال  
در حسابم کنون شدم پیروز  
عاقبت عفو کرد و رحمت کرد  
رفت بر پل و ناگهان بفتاد  
صاحب وی بدامنم زد دست  
که تو بودی امیر بر اسلام  
بوده ام مانده در جواب و سوال  
باز پرسند از تو این حقدار

چون صنین بد خطاب با عمری  
چه رود روز حشر بادگری -

« حدیقه انسانی غزنوی »

معنی	لغات
صغف امیر	۱- میر
کار سخت	۲- صعب
تعریف کرده شده	۳- ستوده
روز قیامت	۴- حشر
سخن که روبرو کسی گفته شود.	۵- خطاب
اندازه	۶- مقدار
کامیاب	۷- پیروز
خداوند بچ	۸- ایزد
بخشش	۹- عفو

حضرت عبدالله چگونہ خواب دید و حضرت عمر رضی اللہ تعالیٰ عنہ در جواب چه فرمود هر يك از شاگردان بنوبه خویش موضوع را به همصنفان خود تشریح کنند .

# حضرت آدم علیه السلام

نخستین بشری که خداوند جَلَّ جَلَّادُ و را آفرید و پیامبری برگزیده، حضرت آدم علیه السلام می باشد. حکایت خلقت و چگونگی دوره زندگی شان، در بسیاری از کتب و روایات آمده است.

بهترین مرجعی که بر خلقت و حقانیت آن مناطق است، قرآن مجید است. خداوند تعالی اراده فرمود تا انسان را در روی زمین بیافریند و او را خلیفه خود گرداند چون فرشتگان بر این اطلاع یافتند عرض کردند: «ایا کسی را خلیفه میگردانی که فساد می کند و خون میریزد، در حالیکه ما به تسبیح و تقدیس تو می پردازیم».

خداوند ج، فرمود: « من چیزی را می دم که شما نمیدانید.»

و خداوند جل جلاله آدم علیه السلام را از گل آفریده و در وی از روح خود  
دمیده، و به او نامهای همه چیز را آموخت. بعد از آن آنها را  
به ملائک عرضه داشت، تا نام آنها را بگویند، ایشان از  
ذکر نام آنها عاجز ماندند، خداوند جل جلاله آدم را مأمور ساخت  
تا نام آن چیزها را تذکر دهد.

و تنگید آدم علیه السلام نام اشیا را بصورت صحیح گفت. فرشته ما  
به بزرگی مقام وی پی برده، به امر خداوند ج، سجده احترام  
در مقابل او بجا آوردند. پس از آن حوا عزیزه الله تعالی آنها را آفرید،  
و هر دو در بهشت به خوشی و آرامی زندگی میکردند، در آنجا  
پاکیزه از تمام میوه ها و خوراکیها استفاده میکردند.

خداوند ج، آدم را و حوا را آنها را نزدیک شدن و استفاده از یک درخت  
مخصوص منع ساخت. ولی ایشان با ترسو سه شیطان از درخت ممنوعه  
نیز خوردند، لذا خداوند ج، ایشان را بسبب همین لغزشی که از آنان  
سرزد، از بهشت بیرون کرد. ۵۲

مدتی حضرت آدم علیه السلام و بی بی حوا رضی الله عنهما در روی زمین  
سرگردان و بی توبه و زاری مشغول بودند، تا آنکه خداوند جل جلاله  
توبه آنها را پذیرفت.

حضرت آدم علیه السلام از طرف خداوند ج، بحیث پیامبر  
بزرگ برگزیده شد، و برای او صحیفه‌ها از طرف خداوند ج،  
نازل شد، و درین صحیفه‌ها آمده است که از طرف -  
خداوند جل جلاله برای اولاد آدم علیه السلام پیامبرانی می‌آیند، تا مردم  
را بسوی راه راست فراخوانند، کسانی که ازین رهنمودها -  
پیروی کنند، رستگاری شوند و در زندگی بعد از مرگ  
به بهشت میروند، و آنهایی که ازین رهنمودها را پیروی -  
نکنند، در آخرت به عذاب خداوند ج، گرفتار می‌شوند.

معنی	لغات
اولین	۱- نخستین
استوار و محکم	۲- راسخ
سبحان الله تعالی	۳- تسبیح
به پاکی یاد کردن	۴- تقدس
پیش کردن	۵- عرضه
تخریفات شیطانی	۶- وسوسه
نامه و کتاب	۷- صحیفه

## تمرین

- ۱- حضرت خداوندی، آدم علیه السلام را از چه آفرید؟
- ۲- ملائک قبل از آفریدن آدم علیه السلام بخداوندی، چه گفتند؟
- ۳- چه باعث شد که حضرت آدم (ع) و بی بی حوا رضی الله عنهما از بهشت بنیاد آورده شدند؟
- ۴- در صحیفه های حضرت آدم (ع)، راجع به پیغمبران چگونه نوشته بود؟



# نصیحت

سقراط گفت : که هیچ گنجی بزرگتر از دانش نیست ما هیچ -  
دشمنی بدتر از خوی بد نیست ، هیچ عزت بزرگوارتر از دانش -  
نیست ، و هیچ پیرایه بهتر از شرم نیست . پس چنان کن ای  
پسر که راه دانش آموختن را پیدا کنی ، و در هر حال که باشی  
چنان باش که یک ساعت از تو درنگزد تا دانش نیاموزی ،  
چنانچه گفته اند : دانش از نادان بیاید آموختن از بهر آنکه  
هرگاه بچشم دل در نادان نگری و به عبارت عقلی بروی  
نگری آنچه ترا از وی ناپسندیده آید آنی که نباید کرد ، چنانچه  
سکندر گفت که : ، ، من منفعت از دوستان یابم بلکه  
از دشمنان نیز یابم ، اگر در من فعل زشت بود دوستان

به موجب شفقت پوشانند تا سن ندانم، و دشمن به موجب  
 دشمنی بگوید تا مرا معلوم شود، و آن فعل بد از خویش دور  
 کنم، پس آن منفعت از دشمن یافته باشم نه از دوست.  
 و تونیز آن دانش از نادان آموخته باشی نه از نادانان،  
 و بر مردم واجب است چه بزرگان و چه بر سر و تران همز و -  
 فرسنگ آموختن، که بر فرونی بر همه همسران خویش بعضی  
 و هنر توان کرد، و مردمان نیز ترا فروتر دانند به فضل و هنر تو،  
 چون مرد عاقل بیند که وی را فرونی نهادند بر همسران او به  
 فضل و هنر جهد کند تا فاضل تر و مهتر مند تر شود.

معنی	لغات
زیور، زینت	پیرایه
بینائی و دانائی	بصارت
فایده	منفعت
کوشش	جهد
دانا	فاضل

« قاپوسامه »

# مطالعه

مطالعه، تاریکی های جهل و نادانی را از  
انسان دور میسازد. مطالعه، انسان را از موضوعات و  
مفاهیم مختلف و ارزنده باخبر میسازد. به انسان آگاهی  
می بخشد تا صاحب فهم و دانش گردد.  
مطالعه است که خوبها را به انسان معرفی میکند و برکت مطالعه  
انسان بیاورد و انا گردیده و صاحب کمال می شود.  
مطالعه قوت و نیروی دماغ انسان را انکشاف میدهد.  
به حکم مطالعه انسان قادر میشود تا خوب و بد را -  
از هم فرق کند. مطالعه به انسان درس میدهد تا همیشه  
کار کند، زحمت بکشد و در بهتر ساختن امور دنیا و آخرت -

کوشش نماید . مطالعه انسان را به مسئولیت های  
زندگی آگاه می سازد و به انسان درس میدهد که  
چگونه رفع مسئولیت کند تا بداند مسئولیت چیست و -  
مسئول کسیت ، انسانها به کدام راه بروند ، بایک دیگر  
چه نوع ارتباط قایم سازند ، و احتیاجات خود و دیگران  
را چگونه رفع نمایند .

مطالعه است که انسان را خدا شناس می سازد ،  
و ارتباطش را با خالق و آفریدگار حقیقی اش قایم میکند .  
به حکمت مطالعه انسان این توانایی را می یابد که خداوند ج ،  
بزرگ را بشناسد ، شریعت اسلام را بفهمد و مطابق آن  
عمل نماید .

و هر شخص دیگری که خلاف شریعت اسلامی کاری

نماید، او را هم نصیحت کند و به او راه خیر و شر را  
نشان بدهد و به کار های نیک او را تشویق نماید.  
انسان در اثر مطالعه راه نیک بختی دنیا و آخرت  
را پیدا می کند.

چون دانستیم که مطالعه دارای خوبها و مزایای-  
زیاد است، پس شما به حیث شاگردان کلتب همیشه  
در هر جا و هر وقت عادت مطالعه را در خویش رشد  
دهید، کوشش کنید کتابهای خوب و مفید را که در دنیا  
و آخرت به درد شما بخورد پیدا کنید، آنرا مطالعه کنید و  
رهنمودهای آنرا سرمشق زندگی خود سازید.

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ بِبِالْحَمْدِ

# الله اکبر

الله اکبر شعار اسلام وصلاح ظفر مندی مجاہدین قہرمان  
است.

الله اکبر شعار شکر داران راه حق و حقیقت است .

الله اکبر بدل کفار ترس و وحشت ایجاد مینماید .

همیشه این نعره بیت ناک از گلوی پاک عاشقان  
خداوند متعال و مجاہدین سرکف افغانستان بیرون می شود، و  
دشمنان اسلام از شنیدن این نعره ملکوتی زبون شده.

قلب ناپاک آنها به لرزه می افتد. زمانیکه روس ها  
با همه وسایل جنگی خود بالای افغانستان مسلمان -  
تجاوز کردند و مردم خدا پرست ما با دست های خالی  
و ایمان کامل به خداوند جبار علیه روس های متجاوز و -  
نوکران پست شان قیام کردند، و یگانه سلاحی که نیروی  
مجاهدین را قوی و روحیه دشمنان اسلام را ضعیف  
ساخت، همانا نعره الله اکبر بود .

الله اکبر است که تمام پلان های جنگی و وسایل  
حربی دشمن خدا نا شناس را نابود می سازد و سبب پیروزی  
مجاهدین راه اسلام می شود. همیشه مجاهدین قهرمان -  
افغانستان توکل و عقیده محکم خویش را به الله اکبر کرده اند  
و به پیروی از این طریق به صف دشمن ملحد حمله برده و در -

- هر کجا نیکه روس ما و مردوران شان (خلفی ما و پرچی ما)  
این نعره آسمانی را بشنوند، به شکست مرگبار رو برود میشوند.

پس از چند سال جنگ خون آشکار برین خراسان ملحد میر لشکر  
به فرعون کریمین نامه نوشت که نتوان فتح کرد الله اکبر

معنی	لغات	معنی	لغات
آتش	۸- آگر	خداوند بزرگ است	۱- الله اکبر
سر کرده لشکر	۹- میر لشکر	کامیابی	۲- ظفر مندی
پیروزی	۱۰- فتح	آسمانی	۳- ملکوتی
بلندترین	۱۱- برین	بیچاره	۴- زبون
کافز	۱۲- ملحد	دست درازی	۵- تجاوز
		ایستادند- پانهاستن	۶- قیام
		جمع وسیله- اسباب	۷- وسایل



# روش آن حضرت در جهاد

حضرت محمد ص، ترجیح می دادند که برای جهاد در هنگام باعداد بیرون شوند، و یا اینکه بعد از زوال آفتاب بیرون روند، تا هوا از گرمی خود بکاهد.

حضرت محمد ص، از یاران خویش بیعت می گرفتند، تا از اطاعت خداوند، و رسول او ص، سرکشی نکنند. آن حضرت ص، از یاران خویش در اکثر کارها مشوره می گرفتند. وقتی که عازم سنگر جهاد می شدند، در طول راه گاهی به عقب شکر می رفتند، تا با کسی که از دیگران عقب مانده کجک کنند، در رفتار به نرمش راه می رفتند، و وقتی که به رفتن جهاد عزم می کردند، از مدینه منوره به سمت دیگری -

بیرون می شدند تا مقصدشان از دشمن پوشیده  
 بماند و در راه اگر با جاسوس کفار روبرو می شدند، از  
 وی راهی را می پرسیدند که مقصودشان رفتن به آنجا  
 نمی بود، تا از یکطرف دروغ تکفئه و از طرف دیگر دشمن را  
 اغفال نمایند حضرت محمد ص قبل از آغاز جنگ با  
 یاران خود دعا میکردند و مغفرت می طلبیدند و نام خداوندی  
 را بسیار یاد مینمودند، و در جنگ خندق این دعا را خوانده اند،  
 اللَّهُمَّ نَزِّلِ الْكُتَابَ سَرِيعَ الْحِسَابِ، اللَّهُمَّ اهْزِمِ الْأَحْزَابَ  
 اللَّهُمَّ اهْزِمِهِمْ وَزَلِّزْلِهِمْ.

ترجمه: ای بار خدایا! فرستنده کتاب محاسبه کننده سریع.  
 ای بار خدایا! سکت ده احزاب را ای بار خدایا! سکت ده آنها را  
 و متزلزل کن و زلزله کن آنها را. « متفق علیه »

۱۱. احزاب جمع حزب مراد از احزاب در این حد شریف گروه های کفار است. ۲۰. متزلزل مضرب  
 و غیر ثابت.

# اندرزما

- راست ترین گفتار ما کتاب خداوند ج است .
- بهترین ملت ما ملت ابراهیم علیه السلام است .
- نیکوترین سنتها سنت محمد صلی الله علیه و آله است .
- شریف ترین سخنان ذکر خداوند بزرگ است .
- نیکوترین رتبهها حضرت محمد مصطفی ص است .
- شریف ترین مرگ ما شهادت است .
- بهترین علم ما علم شریعت است .
- بدترین کوری ، کوری دل است .
- دولت کم که انسان را قانع کند از دولت بسیاری که باعث طغیان او شود بهتر است .

بدترین عذر هنگام مرگ است و بدترین پشیمانی در  
قیامت است.

بعضی مردمان خدای بزرگ را عبادت میکنند -  
حال آنکه دل شان از خدا دور است .  
نیکوترین توشه پر مهرگاری است .

# دستور زبان دری

دستور زبان، دری علم دست گفتن و درست نوشتن  
زبان دری است .

کلمات زبان دری مرکب از حروف هسجا اند.  
برای اینکه حرف هجا را نیز بشناسیم لازم است تا  
تعداد آنرا که سی و دو حرف اند ذیلاً معرفی و تحریر نمائیم:

ا ب پ ت ث ج چ ح خ و ذ ر ز س ش ص ض ط  
ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی .

چار حرف آن با پ، چ، ژ، گ در عربی استعمال  
نمی شوند و هشت حرف آن با در زبان عربی بیشتر معمول اند

ث - ح - ذیص - ض - ط - ظ - ع . متبانی آن با  
میان اکثر زبان ما مشترک می باشد .  
اسم : کلمه ایست که نام شخص یا نام چیزی باشد .  
مثلاً انسان ، افغانستان و غیره .

اسم بدو قسم است اسم عام و اسم خاص .  
اسم عام : آنست که تمام اشخاص یا اشیاء هم  
جنس را شامل باشد . مثلاً مسجد - انسان - نبات . زیرا که  
مسجد شامل تمام مساجد میگردد ، و انسان شامل تمام انسانها  
است و هم چنان نبات شامل همه نباتات می باشد .  
اسم خاص : آنست که بر یک شخص یا یک چیز  
معین دلالت کند . مثلاً حمید - کابل و غیره ، زیرا که حمید  
به یک شخص معین و کابل به یک شهر معین دلالت میکند .

# مفرد و جمع

**مفرد** : آنست که دلالت کند بر یک فرد و یا یک شیء. مثلاً کتاب، کاغذ، مرد، زن و غیره.

**جمع** : آنست که به چند فرد یا اشیاء دلالت کند. مثلاً مردان، زنان، کتابها و غیره.

## اسم بسیط و مرکب

**اسم بسیط** : آنست که یک کلمه باشد مثلاً درخت، دشت، گل.

**اسم مرکب** : آنست که از دو کلمه یا بیشتر ساخته شده باشد مثلاً باغبان، ریگستان، گلستان - کارخانه و غیره.

# صفت

کلمه ایت که حالت و چگونگی اسم را بیان نماید مثلاً  
اگر بگوئیم پدر خوب، در این جا خوب صفت است و پدر اسم  
است.

ضمیر : کلمه ایت که جای اسم را بگیرد . مثلاً اگر بگوئیم  
محمود را دیدم ، به داد بخشتم ، داد او ، در اینجا ضمیر است و جای اسم را گرفته  
است که عبارت از «محمود» است

فعل : کلمه ایت که دلالت کند به صدور کاری  
در یکی از زمانهای سه گانه گذشته ، آینده و حال .  
مثلاً رفتم ، میروم - خواهیم رفت .



وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا  
 و بگویند دین حق زابود شد دین باطل هر آنکه باطل نابود شد آن است

دزدان باچه می گذرد

# حصه اول

محمود فرزند کاکای حامد، دهقان بود. او در مدرسه درس  
 میخواند و به دروس خویش خیلی با کوشش میکرد و به مضامین  
 دینی علاقه زیاد داشت، همراه همصنفان خود روش خوب  
 داشت، معلمین خود را احترام مینمود، به سخنان بزرگان گوش  
 میداد، در کمالی حسنه با والدین خود گفتگو میکرد و او  
 همیشه دوستان و همصنفان خود را به نیکوکاری و جهاد  
 در راه خداوندیج، تشویق می نمود

همینکه بدستور روس ها کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ -

بوقوع پیوست ، بعد از چندی محمود دیکه کونیت ها و اداران  
شان همه روزه به کشتار مردم مسلمان افغانستان دست  
زده ، اموال و دارائی های عامه را چور و چپاول نموده و  
علیه دین مقدس اسلام فعالیت می نمایند با خود فکر  
کرد تا جلوه چنین اعمال ننگین ملحدین را چگونه بگیرد ، بنابراین  
مردم مسلمان قریه خود را جمع کرد ، و میخواست تا چهره های  
اصلی این دشمنان اسلام را برای شان معرفی کند  
و مسلمانان را به جهاد مقدس علیه این ملحدین دعوت  
نماید ، همین بود که به اساس راپور جاسوسان بی دین توسط  
نوکران زر خرید روس ها ، دستگیر و زندانی شد .

بعد از یک مدت طولانی وی را جهت تکمیل دوسیه

دجریان تحقیق به زندان پلخرخی کابل انتقال دادند.  
 موصوف صین داخل شدن در زندان پلخرخی مشاهده -  
 نمود که هزاران نفر مسلمان در عقب میله های زندان  
 تحت شکنجه کمونیت با قرار دارند، رفتار نابojان -  
 مردانه بلخین را تماشا میکرد با خود می اندیشید.  
 کمونیت با بعد از مدت زمانی به تحقیق و تهدیدوی  
 شروع کردند. در جریان تحقیق او میگفت من مسلمان  
 هستم و هیچ گناهی ندارم، ولی با آنهم بلخین به لت  
 و کوب موصوف پرداخته و به دست های او او لک  
 و به پای های او زولانه انداخته، ساعت با او را شکنجه -  
 جسمی و روحی میدادند. بالاخره بعد از مدتی او را محکوم  
 به حبس دانسته، پس از جریانات تحقیق و تکمیل دوسیه

که بنام مسلمان بودن محکوم به حبس شناخته شده بود،  
 او را دوباره به ولایت مربوطه اش سلسلماً اعزام کردند تا  
 مدت حبس خود را در زندان سپری نماید . در حالیکه  
 تمام مردم قریه سلاح برداشته جهاد خود را علیه -  
 کمونیت با آغاز کرده بودند، خبر شدند که برادر قهرمان  
 شان محمود را محکوم به حبس کرده، از زندان پلچرخی دوباره به  
 بندی حسانه ولایتی آورده اند .

شماره	لغات	معنی
۱-	مضامین	جمع مضمون
۲-	تنگین	شرم آور
۳-	کمونیت	خدانا شناس
۴-	مشابه	تماشا

# حصه دوم

قوماندهانان دلیر مجاہدین ہمہ یکجا شدہ نقشہ آزاد -  
ساختن مسلمانان محبوس را از بندی خانہ طرح و ترتیب  
دادند بعداً بہ اتحاد و اتفاق کامل ہمہ مجاہدین در یک  
وقت معین بالای بندی خانہ حمد کردہ زندان سیاہ دشمن  
را بہ آتش کشیدہ تمام مسلمانان را بہ شمول برادر محمود  
آزاد ساختند بیکتعداد از بلخین را بہ جہنم فرستادہ چند میل  
سلاح و مقداری مہمات دشمن را بہ غنیمت گرفتند . و  
مجاہدین بفضل و مرحمت خداوند بجز سلامت بہ قریہ خود  
برگشتند مجاہدین از رہائی مسلمانان از بندی خانہ کفار اظہار  
خوشی میکردند برادر محمود دوبارہ ہمراہ مجاہدین بہ قریہ خود

آمده خبریان و وضع برادران مسلمان را در زندان  
های کمونیت های مجاهدین قصه کرده گفت :  
کمونیت ها و بااداران شان، این دشمنان آرامش مردم  
افغانستان، بی شرمانه در پی اذیت و آزار مؤمنین برآمده  
و به عمادین مختلفه مردم مسلمان ما را زندانی ساخته  
اند، در داخل زندان از روش های غیر انسانی کار گرفته  
پشکنج های جسمی و روحی میپردازند، همه حقوق انسان  
را پایمال میکنند. او قصه کرد که مسلمانان را در اطلاق های  
نمناک و تارک انداخته و با استفاده از وسایل برقی  
و دیگر آلات شکنجه کننده بی حد تکلیف می دادند،  
و حتی بسیاری مسلمانان به اثر فشارت و کوب بی رحمانه  
مخدین جان های شیرین خود را از دست دادند، مسلمانان

راز با آویزان کرده و برهنه روی برف استاده  
می نمودند. یک تن از مجاهدین پرسید: برادر محمود!  
ما خبر شدیم که کمونیت ها گوشت های بدن مسلمانان را  
در زندان ها توسط امپورکنده و بالای زخم آنها نمک  
می پاشند، آیا حقیقت دارد؟ او گفت: بلی حتی آنها  
مانند حیوان گوشت های بدن مسلمانان را به دندان های  
کثیف خود نیز میکندند، ناخون های دست و پای شان  
را می کشیدند. خلاصه هر نوع ظلم و ستم که باعث اذیت  
بدن انسان شود انجام می دادند، ولی مسلمانان را  
تسلیم نظریات خویش ساخته نتوانستند، روحیه مسلمانان  
در داخل زندانها خیلی قوی بوده با وجودیکه بندی هستند،  
مردانه وار در برابر شکنجه های ظالمان مقاومت نموده از

حقایق چشم‌نمی‌پوشیدند، بلکه خیانت و جنایت کونیت‌ها  
 را به رخ‌شان کشیده آنها را نفرین میکردند و یک  
 نقشه عملیات را در داخل زندان پمپ‌خنی ترتیب و یک  
 بار دیگر ثابت ساختند که نیروی ایمان، هیچگاه تسلیم  
 الحاد و زورگویی نمی‌گردد .

شماره	لغات	معنی
۱	جهنم	دوزخ
۲-	عناوین	جمع عنوان
۳-	ادیت	تکلیف دادن
۴-	الحاد	کفر



## هفتم

او گفت: بتاريخ ۸ جوزا سال ۱۳۵۸ برادران -  
مسلمان و سرسپردگان راه اسلام، در داخل زندان  
پلچرخى برضد محمدین قیام کردند. درین نبرد حق  
و باطل، مزدوران بی شرم روس ۱۳۵ تن از پروانه  
های مکتب توحید الهی را شهید کردند، برادر محمود علاوه نمود:  
باشهادت این برادران عزیز، محوسین مسلمان در برابر  
چنین عمل ظالمان نفرت زیادی پیدا کرده و این شعبه  
را خاموش نگذاشتند، بلکه چند روز بعد بتاريخ ۱۴ جوزای  
همان سال، بار دیگر چهره های مؤمن علیه این دوش  
ناجوان مردانه کمونیت های وحشی قیام کردند که منجر

- به شهادت ۴۰ تن دیگر از پیروان مکتب قرآن  
گردید. اوقه میکرد که همین طور صد مسلمان را  
این علما حلقه بگوش کفار به اثر شکنجه های بی رحمانه  
در داخل زندان شهید کرده و از داخل زندان ما -  
شبانه مسلمانان را بیرون نموده، در زیر زنجیر بلبدوزها  
نقش زمین ساخته و تعداد زیادی را زنده زیر خاک  
نموده شهید میکردند .

« روح شهید راه اسلام شاد و یادشان گرامی باد »

مجاہدین همه این قصه های غم انگیز و رفتار وحشیانه  
جلادان تشنه به خون مردم مسلمان افغانستان را

شنیدند، با وجودیکه خیلی نا عکسین به نظر میرسیدند  
برادر محمود برای آنها یاد آوری کرد که ماوشما یک  
بار دیگر تعهد میکنیم که بیاری خداوندج، تا آخرین  
نقطه زندگی علیه ظالمان متجاوز و مزدوران -  
شان به جهاد خود دوام داده و در زیر لوای محمدی<sup>ص</sup>  
تحت شعار کفر شکن اسلام (الله اکبر) دست  
بدهیم داده، تا آزادی افغانستان و پیروزی  
انقلاب اسلامی جهاد می کنیم، آماده هر نوع -  
قربانی برای حفظ عزت اسلام و دفاع وطن  
محبوب خود هستیم، و انشاء الله حق بر باطل پیروز  
است. برادر محمود در آخر یاد آور شده دور نیست  
اینکه تمام برادران مسلمان ما که در زندان های

سیاه دشمن مجبوس شده انداماً و دشمنان  
اسلام رسوا، و به جز اعمال ننگین شان برسند.

، والسلام

شماره	نفات	مغز
۱	ملحدین	جمع ملحد - بی دین
۲	کونیت	خدا ناشناس
۳	وحشی	درنده
۴	شکبجه	عذاب
۵	جلادان	جمع جلاد آدم کش
۶	لوا	بیرق

## اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی: توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد.

هدف خصوصی: تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طور دایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با در نظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیک، مدنی و معیشتی بوده و در عین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگستنی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد.

هدف نهائی: اعلاى کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و میارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضای خداوند (ج) می باشد.

((وَمِنَ اللّٰهِ التَّوْفِیْقُ))

ARIG

B

6.421

IUA

1121 v.21

سال طبع سنبله ۱۳۶۸ تعداد طبع (۱۵۰۰۰)  
مدیریت نصاب مرکز تعلیمی